چگونه بهتر زبان آلمانی را بیاموزیم؟

written by مرتضی غلام نژاد | فوریه 4, 2020

سلام دوستان در این درس می خواهیم با هم بیاموزیم که چگونه بهتر زبان آلمانی را یاد بگیریم.

خیلی کوتاه و ساده : هر روز با انتخاب یک موضوع مرتبط شروع به تمرین کردن میکنیم ؛ من به عنوان Vorlage (الگو یا نمونه) با اسم der Fehler شروع میکنم ؛ شما می توانید با توجه به این درس با یک اسم یا یک لغت دیگر شروع کنید.

der Fehler -> خبط ، خطا ، اشتباه ، کمبود ، فقدان ، کسری

خب قبل از هرچیز با این سوال از خودم شروع میکنم ، چه افعالی می تواند به همراه این اسم بیاد؟ (در ابتدا فقط زبان فارسی)

مثلاً : یک اشتباه را کردن (البته اگر هنوز با تفکر آلمانی آشنا نیستید می توانید اینگونه بگوید : اشتباه کردن)

پس ما می توانیم یک اشتباهی را انجام بدهیم یا در تفکر آلمانی بکنیم

نکته : در تفکر آلمانی فعل tun و machen در بیشتر موارد می توانند به جای یکدیگر مورد استفاده قرار بگیرند اما از نگاهی من این دو ، دو فعل متفاوت با مفهوم متفاوت هستند machen کردن (که ما در تفکر فارسی از این فعل استفاده میکنیم) tun انجام دادن -> شاید من بتوانم گاهی بگویم : من یک اشتباه کردم یا من یک اشتباه انجام دادم ، اما در تفکر آلمانی ما معمولاً یک اشتباه را میکنیم machen و فعل tun در این حالت اصلاً مناسب نیست.

einen Fehler machen

تفکر آلمانی : یک اشتباه را کردن

تفکر فارسی : یک اشتباهی را انجام دادن

ما می توانیم : یک اشتباه را مرتکب شویم یا در تفکر فارسی : ما دچار یک اشتباه بشیم

einen Fehler begehen

یک اشتباهی را مرتکب شدن

دچار یک اشتباه بشویم

حالا فرض میگیریم که فعل begehen برای من ناشناخته است و تازه با آن آشنا شدم ، سریع شروع میکنم : گذشته ساده و گذشته کامل این فعل را یاد میگیرم

گذشته ساده : begingen

گذشته کامل : sind/haben begangen

سعی میکنم در قدم بعدی چندتا مثال در جمله (توجه کنید کاربرد این فعل در جمله را) یاد بگیرم

مثلاً : حماقتی را مرتکب شدن

eine Dummheit begehen که در تفکر فارسی میشه گفت : خریت کردن

خب ما می توانیم خیلی چیزها را مرتکب بشویم : مثلاً : گناه ، جنایت و ...

ein Verbrechen begehen

یک جنایت را مرتکب شدن

eine Sünde begehen

یک گناهی را مرتکب شدن

نکته : دقت کرده اید که در تفکر فارسی ما فعل به این شکل داریم : دست به کاری زدن ـ> هرجا در تفکر فارسی این به ذهنتون رسید بدونید معادل آن در آلمانی فعل begehen هست

مثال :

sie beging Selbstmord

او (مونث) دست به خودکشی زد

نکته : در تفکر فارسی ما خیلی چیزها را نیز مرتکب نمی شویم : مثلاً ما یک جشن تولد را مرتکب نمی شویم بلکه آنرا انجام میدهیم ، ولی در تفکر آلمانی در بیشتر مواقع که machen و tun مورد استفاده قرار میگیرد ، می توان begehen را نیز بکار برد ، فقط توجه داشته باشید بعضی از جملات که مشخص است و به همان صورت جا افتاده است بهتر است از فعل مربوط به خودش استفاده شود (این موضوع را خودتان بعد از کمی تجربه در یادگیری زبان آلمانی متوجه خواهید شد و اصلاً نگران نباشید)

wie soll der Geburtstag des Chefs begangen werden?

تولد رئیس چگونه می بایستی مرتکب بشود

این درست منظور من از توضیحات بالا بود : در تفکر فارسی و در این حالت این فعل معنی انجام دادن را میدهد اما در واقعیت اینگونه نیست ما می توانیم برای خودمان این فعل را انجام دادن هم ترجمه کنیم و در اصل این فعل یعنی مرتکب شدن

تولد رئیس چگونه می بایستی انجام بشود؟ تولدش را چگونه برگزار کنیم؟

خب برگردیم به موضوع اصلی درس

ما می توانیم از یک اشتباه درس بگیریم :

etwas aus Fehlern lernen

چیزی از اشتباهات یاد گرفتن

etwas aus einem Fehler lernen

چیزی از یک اشتباه یاد گرفتن

از یک اشتباهی درس گرفتن

wie können wir aus Fehlern lernen?

ما چه جوری می تونیم از اشتباهات درس بگیریم؟

خب ما میدانیم که : یک اشتباه هم می تواند اتفاق بیافتد

ein Fehler passiert

یک اشتباه رخ داد یا اتفاق افتاد

نکته : توجه داشته باشید passieren یک فعل Nominativ ساز است و دیگر افعالی که در بالا گفتیم تمامی آنها تا اینجا Akkusativ ساز بودند

leider ist ein Fehler passiert

متاسفانه یک خطا یا اشتباه رخ داد ، اتفاق افتاد

ما می توانیم از فعل unterlaufen هم استفاده کنیم اما توجه داشته باشید که در تفکر آلمانی یک قصه ی پشت این فعل خوابیده ، مثلاً : یک اشتباهی اتفاق افتاده ــ> اما در تفکر آلمانی وقتی از unterlaufen استفاده میکنیم آنگاه یعنی ما مرتکب یک عمل اشتباهی شده ایم که حالا این اتفاقِ رخ داده یا اشتباه اتفاق افتاده ــ> پس یک داستانی پشتش خوابیده

گذشته ساده : liefen unter

گذشته کامل : sind untergelaufen

گذشته کامل : haben unterlaufen (در ادامه توضیح داده میشود)

manchmal unterläuft ihr ein Fehler

گاهی اوقات (اون یک عمل اشتباهی انجام میدهد و بعد از آن یا پس از آن) یک اشتباهی رخ میدهد

پس او ی (مونث) ما در نهایت یک غلطی کرده که این اشتباه حالا نمایان شده یا رخ داده

so etwas ist mir noch nicht unterlaufen

یک همچین چیزهایی (با این توضیح که من یک عمل اشتباهی هم قبلش انجام داده باشم دیگه) هنوز یا تا به حالا برایم پیش نیامده است

من تا به حال کاری نکردم که از اینجور اشتباه ها رخ بده

نکته : معمولاً گذشته کامل این فعل با haben در مسابقات ورزشی مورد استفاده قرار میگیرد و در این حالت می توانیم مرتکب شدن معنی کنیم ولی با این توضیح که پشتش اون داستانی که ما یک عملی انجام داده ایم هم خوابیده)

نکته : این فعل هرگاه با haben به گذشته کامل برود آنگاه به همان شکل نوشته می شود :

er hat seinen Gegenspieler mehrfach unterlaufen

او بارها یا به دفعات زیاد (به روی حریف اش یک عمل اشتباهی را انجام داده) مرتکب خطا شده است.

پس قبلش یک کاری صورت گرفته که اون باعث مرتکب شدن آن اشتباه یا خطا شده است

ما می توانیم یک اشتباه را تصحیح کنیم ، یک اشتباهی انجام دادیم حالا می خواهیم درستش کنیم

den Fehler korrigieren

آن اشتباه را تصحیح کردن یا اصلاح کردن

گذشته ساده : korrigierten

گذشته کامل : haben korrigiert

in diesem Fall müssen Sie den Fehler korrigieren

در این حالت شما باید آن اشتباه را اصلاح کنید یا تصحیح کنید

ما می توانیم یک اشتباه را اعتراف کنیم

einen Fehler eingestehen

یک اشتباهی را اعتراف کردن

گذشته ساده : gestand ein

گذشته کامل : haben eingestanden

er hatte den Fehler eingestanden

او (مذکر) آن اشتباه را اعتراف کرده بود (گذشته دور)

ما می توانیم در ماشین یا یک دستگاه خطا یا اشتباهی را پاک کنیم ـ> فرض کنید پشت آمپر ماشین شما یک چراغ روشن است (یعنی کامپیوتر ماشین تشخیص یک خطا داده است) حال ما می توانیم آن خطا را از بین ببریم یا پاکش کنیم

Fehler beim Auto selber löschen

اشتباه در اتومبیل را خودمان پاک کنیم یا از بین ببریم

گذشته ساده : löschten

گذشته کامل : haben gelöscht

مرحله بعدی این است که یاد بگیریم که این اسم با چه صفت های می تواند بیاید

مثلاً : یک اشتباه بزرگ ، یک اشتباه کوچک ، یک اشتباه وحشتناک یا یک اشتباه سنگین (اشتباهی که برامون گرون تموم بشه) و ...

چنانچه با صرف صفات هنوز آشنا نیستید درس زیر را مطالعه کنید :

درس_بیست_و_پنجم_صفت_و_صرف_آنها/

einen großen Fehler machen

یک اشتباه بزرگی را کردن

den großen Fehler machen

آن اشتباه بزرگ را کردن

einen unverzeihlichen Fehler begeben

یک اشتباه نابخشودنی یا غیر قابل بخشش را مرتکب شدن

صفت unverzeihlich معنی توجیه ناپذیر هم می تواند بدهد

das ist wohl unverzeihlich!

در حقیقت این توجیه پذیر نیست

اونرو توجیه نکن!

و در آخر چه اسامی می توانند با این اسم در ارتباط باشند ، برای مثال : راه حل

تاحدودی برای هر اشتباهی یک راه حل وجود دارد.

für fast jeden Fehler gibt es eine Lösung

bei einem Fehler können wir eine Lösung finden

در هنگام وقوع یک اشتباه ما می توانیم یک راه حل پیدا کنیم

اما اسامی که از نظر معنی نزدیک به Fehler هستند به ترتیب زیر است :

der Mangel نقض ، کمبود

der Irrtum خطا ، اشتباه

das Problem مشکل ، دردسر

die Panne خرابی ، ایراد

die Schwäche ناتوانی ، ضعف

جمع بندی و چند نکته بسیار مهم برای یادگیری بهتر زبان آلمانی

هر روز کار خودمان را با انتخاب کردن یک لغت آغاز میکنیم و برای مثال اگر اسم بود تحقیق میکنیم که این اسم با چه افعالی در ارتباط است و پس از یادگیری آن به همراه یک یا چند جمله ، تحقیق میکنیم که چه صفاتی با این اسم در ارتباط است و در نهایت با چه اسامی دیگری می تواند در ارتباط باشد

نگران نباشید ، تمامی اینها را می توانید با رفتن به سایت و وارد کردن آن لغت و پس از جستجو در بخش Typische Verbindungen در دسترس داشته باشید.

چند نکته مهم در یادگیری زبان آلمانی :

اجازه بدید قبل از هرچیز آدم های واقع بینی باشیم

اگر فکر میکنید کسی روشی پیدا کرده است که بشود آلمانی را در کوتاه مدت آموخت ، باید بگویم که هنوز نجات دهنده ی در این رابطه پیدا نشده است! پس کسانی که ادعا میکنند که در مدت زمان کوتاهی می توانند به شما زبان آلمانی را یاد بدهند ، مثلاً به صورت فشرده ، باید بگویم که دروغگویانی بیش نیستند زیرا زبان آلمانی هرگز همانند زبان انگلیسی نیست!

شاید با زندگی کردن در کشورهای انگلیسی زبان بشود در مدت زمان یک یا دو سال در حد کار راه اندازی زبان انگلیسی را صحبت کرد ، صادقانه بگویم که این امکان در زبان آلمانی هرگز وجود ندارد مگر اینکه شما یک نابغه باشید

پس از کجا و چه جوری زبان آلمانی را بیاموزم؟

اجازه بدید قبل از پاسخ دادن به این سوال بگویم که زبان آلمانی سرشار از قوانین گرامری بعلاوه استثناعات است. این یعنی اینکه اگر چه شب است امکان دارد که روز هم باشد وقتی یک اسم مونث در شرایطی می تواند مذکر هم باشد! واقعا چه می شود گفت؟

خب برگردیم به سوال ، برای یادگیری زبان آلمانی باید ، باید و بازهم باید دستور زبان آلمانی را بیاموزیم! تا دستور زبان آلمانی را یاد نگیریم ، هرگز نمی توانیم زبان آلمانی را صحبت کنیم! کسانی را می شناسم که سالها در کشور آلمان زندگی میکنند و هرگز یک خط دستور زبان آلمانی را نخوانده اند ، اما آلمانی صحبت میکنند! راستش چه صحبت کردنی؟ با کنار هم گذاشتن لغات که نمی شود گفت طرف آلمانی صحبت میکند!

پس اولین قدم برای یادگیری زبان آلمانی ، آموختن دستور زبان آلمانی است. این کاملاً بستگی به خودتان دارد که روزی چند ساعت برای یادگیری دستور زبان آلمانی وقت بگذارید!

عزیزان من هرگز وقت خودتان را با حفظ کردن لغات هدر ندهید! این دقیقاً مشکل کسانی هست که می گویند ما ساعت ها آلمانی می خوانیم ولی هیچ چیز یاد نمیگیریم ، دوست عزیز من تا شما Syntax (دستور زبان) یک زبان برنامه نویسی را یاد نگیرید هرگز نمی توانید برنامه ی بنویسید ، زبان آلمانی نیز دقیقاً به همین صورت است.

حال که دستور زبان را به خوبی یاد گرفتید با همین نمونه درس و روشی که بیان کردم ، یعنی با موضوعات مرتبط شروع به یادگیری لغات جدید کنیم و دایره لغاتمان را گسترش دهیم

شاید در این درس حدود ۳۰ تا ۴۰ تا لغت جدید برای نو آموزان وجود داشته باشد و کسانی که حرفه ی تر هستند طبیعتاً می بایستی مثال و جملات سخت تری برای خودشان انتخاب کنند

بارها پرسیده میشود که من B1 دارم و نمی توانم به خوبی آلمانی صحبت کنم!

دوست عزیز من قرار نیست که با سطح B1 معجزه کنید ، اگر C1 هم داشته باشید بازهم به خوبی نمی توانید آلمانی صحبت کنید

چرا اینجوریه؟

برای اینکه این موضوع کاملاً منطقی است ، شما در مدت زمان ۶ ماه به B1 میرسید و شاید در مدت زمان یک سال به C1 , همانطور که در مقدمه گفتم رویا پردازی را کنار بذارید زبان آلمانی گرفتن مدرک نیست! و هرگز در مدت زمان ۶ ماه ، یک سال یا دو سال نمی توانید به خوبی این زبان را صحبت کنید

لطفاً و خواهشاً سطح توقع از خودتان را پایین بیاورید و هرگز از خودتان انتظار معجزه نداشته باشید. این به این معنی نیست که تلاش نکنید

اگر شما در این کشور متولد نشده اید باید بگویم که پس از ۲۰ سال مطالعه روزانه زبان آلمانی بازهم هیچ چیز از این زبان نخواهید دانست این به این معنی نیست که هرگز نمی شود این زبان را آموخت ، خیر! زبان آلمانی سرشار از رمز و رازهاست و تا زمانیکه همانند یک آلمانی فکر نکنید (به قول خودمان آلمانی نشوید) نمی توانید به خوبی این زبان را بیاموزید ، به همین دلیل است که در دروس سایت سعی شده است به تفکر آلمانی لغات و جملات کاملاً پرداخته شود.

به خوبی می توانم آلمانی صحبت کنم اما خیلی چیزها را متوجه نمی شوم! چرا؟

برای اینکه شما با یک تفکر فارسی شروع به یادگیری زبان آلمانی کرده اید ، صادقانه اش اینه که شما به خوبی زبان آلمانی صحبت نمیکنی (تنها فکر میکنید) و این طرف مقابل شماست که دارد سعی میکند شما را متوجه شود یا وانمود به این موضوع میکند ، چرا که اگر شما به خوبی آلمانی صحبت کنید به خوبی آنرا نیز متوجه میشوید!

به خوبی متوجه میشوم اما نمی توانم جواب بدهیم! چرا؟

دقیقاً شما نیز همانند بالا (تنها فکر میکنید) که متوجه همه چیز شده اید! چرا که اگر متوجه جملات شده اید پس چرا نمی توانید خودتان آنها را بکار ببرید؟ پس به عقیده من این تنها یک باور است که می تواند درست هم نباشد!

مطالب گفته شده و پاسخ ها واقع بینانه ی که به آنها داده شد برای این نیست که شما اعتماد به نفس خودتان را از دست بدهید یا فکر نکنید این زبان را هرگز نمی شود آموخت!

این زبان را میشود آموخت تنها بر اساس یک سری قانون و قواعده مشخص چرا که زبان آلمانی همانند آلمانی ها دشمن بی قانونی و بی قاعده گی ست!

از مطالب گفته شده اگر بخواهم جمع بندی کرده باشم به این صورت است که دستور زبان آلمانی را بیاموزم و پس از تسلط کامل ، با توجه به نمونه گفته شده در این درس ، روزانه شروع به یادگیری لغات جدید کنیم

پس از اینکه به این مرحله رسیدید و این موضوع شاید حدود یک سال طول کشیده است حال وقت این است که خودتان را وارد جامعه کنید!

چگونه وارد جامعه آلمان شوم؟

هزاران راه برای وارد شدن به جامعه آلمان وجود دارد که از این هزاران راه دو راه ساده وجود دارد که به هیچ عنوان نیاز به این نیست که شما زبان آلمانی را کامل بدانید!

۱. از طریق ورزش

در کشور آلمان هر محله یا هر منطقه ی تمامی ورزش های شناخته شده بشریت را دارا می باشد ، تنها با یک جستجوی ساده می توانید به دنبال رشته ورزشی مورد علاقه تان بروید

۲. از طریق انجمن های مذهبی

در کشور آلمان هزاران کلیسا وجود دارد که به طور رایگان خدمات فرهنگی ارائه میدهند این به این معنی نیست که شما باید دین یا مذهب خودتان را عوض کنید! خیر ، هر دین و مذهبی که دارید داشته باشید اینجا یک کشور برای تمامی عقاید است با همان اعتقادادتان وارد انجمن ها شوید و با اینگونه آدم ها شروع به بحث و گفتگو کنید جدا از اینکه بخواهید عقایدتان را عوض کنید

حال که وارد جامعه آلمان شدید و با صحبت کردن روزانه ۲ تا ۳ ساعت در شرایط و موقعیت ها مختلف ، به مرور زمان خودتان متوجه پیشرفتتان خواهید شد اینرا بهتون قول میدم!

یکی از نکات دیگر در کنار گفته های بالا گوش کردن و تماشای فیلم ، سریال و موزیک است ، سعی کنید موزیک های مختلف به همراه متن و ترجمه آنها را گوش کنید حتی اگر شده در روز فقط به یک موزیک به همراه متن و ترجمه اش تمرکز کرده باشید و به همین ترتیب یک فیلم یا سریال!

با توجه به توضیحات گفته شده فکر میکنم کاملاً روشن و واضع است که چگونه میشود زبان آلمانی را آموخت!